

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

روایات دال بر جواز تلقیح

عرض کردیم که در باب سوم، از ابواب حد سحق و قیاده در ج 28 وسائل الشیعة، مجموعاً 5 روایت ذکر شده که به دو روایت بر می‌گردد، که بعضی گفته‌اند می‌توانیم بر جواز تلقیح مصنوعی به آنها استدلال کنیم، به این معنا که اگر نطفه مردی را در رحم اجنبیه قرار دهند اشکالی ندارد.

اولین روایت

یکی حدیث چهارم است. «عن علي بن ابراهيم عن احمد بن محمد عن عباس بن موسي عن يونس بن عبدالرحمان عن اسحاق بن عمار عن المعلي بن خنيس».

بررسی سند حدیث

افرادی که در این سند قرار دارند مثلاً معلی بن خنيس، ترجمه های مختلف درباره اش ذکر شده، اما روایات و نقلی که معلی را مدح می‌کند بیشتر است و بیشتر او را معتبر می‌دانند ولو اینکه نجاشی و برخی دیگر تضعیف کرده‌اند. حدیث از نظر سند معتبر است و اسحاق بن عمار و یونس بن عبدالرحمان و عباس بن موسی معتبرند. «قال سألت ابا عبد الله (ع) عن رجل وطئ امرأته» از امام صادق سؤال شده که مردی زن خود را وطی کرد «فنقلت مائه الي جاریة بكر» این زن با جاریه ای که در منزل بوده مساحقه کرده و آن جاریه بکر بوده و جاریه حامله شده «فقال: الولد للرجل» این بچه برای مرد است – بحثی هم که بعداً داریم که در موارد تلقیح مصنوعی، نطفه مردی را در رحم زن اجنبیه قرار داده‌اند، این زن هم فرض کنید شوهر دارد، بالاتفاق قائلند به این که این بچه متعلق به صاحب نطفه است و پدرش کسی است که صاحب نطفه است .

«و علي المرأة الرجم» زن چون شوهردار بوده است و این کار را انجام داده باید رجم شود «و علي جاریة الحد». جاریه هم باید حد بخورد. بیان استدلال به این حدیث چیست؟ استدلال آنها به این حدیث این است که امام (ع) نسبت به ادخال نطفه در رحم اجنبیه چیزی نفرموده است. اگر ادخال نطفه در رحم اجنبیه حرام بود، این زن که شوهرش با او وطی کرده بعد این زن با دیگری مساحقه کرده، امام (ع) باید می‌فرمودند علاوه بر اینکه این زن را باید رجم کرد باید تعزیر هم کرد، برای این که یک عمل حرام مساحقه است و عمل حرام دوم این است که نطفه شوهرش را به رحم زن اجنبیه منتقل کرده، ولی امام نسبت به این معنا

به عبارت فنی خواسته‌اند از اطلاق مقامی این روایت، بر این مدعی^۱ استفاده کنند که قضیه را به امام صادق عرض کردند و حضرت آنچه که باید در اینجا مطرح شود بیان می‌کنند. «الولد للرجل و علی المرأة الرجم و علی الجارية الحد». چون امام مطلب چهارمی را نفرموده‌اند و اگر اصل ادخال نطفه در رحم اجنبیه هم حرام بود باید امام می‌فرمودند به خاطر این جهت آن زنی که باید رجم شود اول باید او را برای اینکه این کار را کرده تعزیر کنند و بعد رجمش کنند. بیان استدلال به این حدیث همین است که اطلاق مقامی این روایت اقتضا می‌کند که ما اینجا بگوییم که این کار حرام نیست چون اگر حرام بود امام باید برای این هم، حکم چهارمی را بیان می‌فرمودند.

جواب از استدلال

چند جواب از استدلال به این روایت می‌توانیم مطرح کنیم.

جواب اول این است که تعزیر در جایی است که کسی فعلی را عالماً و عامداً انجام دهد در این مفروض روایت، خود مساحقه امری اختیاری بوده است و لذا هم باید زن را رجم کنند چون شوهر دارد و هم باید بر جاریه حد جاری شود. مساحقه چون امر اختیاری بوده این احکام بر آن بار است. اما انتقال نطفه که یک امر اختیاری نبوده و تعزیر در جایی است که علم و عمد باشد.

جواب دوم این است که این مطلب در باب کتاب حدود و تعزیرات بیان می‌شود که برخی قائلند به اینکه تعزیر در جایی است که انسان کبیره ای را مرتکب شود و الا آنجایی که انسان گناه صغیره ای را مرتکب شود تعزیر وجود ندارد.

جواب سوم این است که در این روایت البته ندارد که جاریه مال مرد است، اما بعید نیست که در مورد روایت، این جاریه متعلق به همان مرد باشد و اگر جاریه همان مرد بود دیگر بین رحم این زن و جاریه که کنیز برای مرد است فرقی نمی‌کند. یکی از فروض ما این است که فرض کنید اگر مردی با زن خودش نطفه شان تلقیح پیدا کند و نطفه را در رحم جاریه این مرد بگذارند، که این فروض را بعداً مطرح می‌کنیم. گرچه اینجا هم بعید نیست که بگوییم جاریه خود مرد بوده و روایات «من اقر نطفته فی رحم یحرم علیه» شاملش نمی‌شود و رحم جاریه **حلال علی الرجل** بوده است. ولی باید قرینه روشنتری باشد تا معلوم شود جاریه، جاریه مرد بوده. پس استدلال به این روایت استدلال درستی نیست.

دومین روایت دال بر جواز تلقیح

روایت دیگر هم حدیث سوم همین باب است که لزومی ندارد بخوانیم. مضمون روایت این است که قومی آمدند و می‌خواستند از امام علی(ع) همین مسئله را سؤال کنند، که امام حسن(ع) آنجا بودند فرمودند من جواب را می‌دهم «فَأَنْ أُصِيبَ فَمِنْ اللَّهِ وَ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِنَّ أَخْطَأْتُ فَاِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَأَيْتُمْ، فَقَالُوا: أَمْرًا جَامِعًا زَوْجَهَا، فَقَامَتْ بِحَرَارَةِ جَمَاعِهِ، فَسَاحَقَتْ جَارِيَةً بَكَرًا». رفت و با جاریه بکری مساحقه کرد و نطفه شوهرش را در رحم دیگری قرار داد و او حامله شد «فَقَالَ تَوَخَّذْ هَذِهِ الْمَرْأَةَ بِصَدَاقِ هَذِهِ الْبَكَرِ، لِأَنَّ الْوَلَدَ لَا يَخْرُجُ حَتَّى يَذْهَبَ بِالْعَذْرَةِ».

عذرة همان پرده بکارت است، می‌فرمایند چون جاریه بکر بوده و برای متولد شدن بچه، باید پرده بکارت از بین برود، باید صدق بکر گرفته شود «و ینتظر حتی تلد» باید صبر شود تا این بچه به دنیا بیاید و حد بر او جاری شود «و یلحق الولد بصاحب النطفة» ولد به صاحب نطفه ملحق است «و ترجم المرأة» و زن هم باید رجم شود. همان سه جوابی که در روایت قبلی مطرح

کردیم در اینجا هم هست.

نتیجه مباحث صورت دوم تلقیح

راجع به داخل کردن نطفه اجنبی به اجنبیه روایات را ذکر کردیم و روایات و آیاتی که به عنوان حرمت آمده شده را بیان کردیم. در آیات فقط ذیل یک آیه را قبول کردیم و آن روایتی که مربوط به علت حرمت زنا است آن را هم بیان کردیم و فقط اشکال اشکال سندی بود و اگر کسی سند آن روایت را بپذیرد می‌تواند به آن روایت هم استدلال کند. تا اینجا دو صورت را از تلقیح بیان کردیم. صورت اول این بود که نطفه زوج را بگیرند و در رحم زوجه خودش قرار دهند که گفتیم مانعی ندارد. صورت دوم: تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه که مسلماً حرام است.

صورت سوم تلقیح مصنوعی

و صورت سوم این است: زنی هست که خود زن تخمک تولید نمی‌کند، اگر تخمک زنی را بگیرند و در رحم این زن قرار دهند و شوهر این زن دوم با او آمیزش کند و این زن باردار شود، یعنی تخمک زنی را می‌گیرند و در رحم این زن قرار می‌دهند و بعد شوهر این زن با این زن ارتباط پیدا می‌کند و ماء خود را در رحم این زن قرار می‌دهد و این زن حامله می‌شود. آیا درست است یا نه؟

اقوال در مسأله

کسانی که در صورت دوم گفته‌اند جایز است این را هم جایز می‌دانند. برخی صورت دوم را حرام می‌دانند این را هم حرام می‌دانند. برخی صورت دوم را حرام می‌دانند اما می‌گویند در اینجا بعید نیست که قائل به جواز شویم.

نظر استاد

ما بر آن مبنایی که در صورت دوم اختیار کردیم صورت سوم هم مشمول ذیل آیه است، «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ [الْعَادُونَ](#)» این را شامل می‌شود.

بیان دلیل استاد

وقتی می‌گوییم اطلاق آیه می‌گوید حق ندارد نطفه اجنبی را در رحم خود قرار دهد، حق ندارد تخمک اجنبی را هم در رحم خود قرار دهد. ما عرض کردیم که فقط فرج زن و شوهر برای هم حلال است، اما وراء این مطلقاً حرام است. مرد بخواهد نطفه خود را در رحم اجنبیه قرار دهد، یا اجنبیه بخواهد تخمک خود را در رحم این زن قرار دهد، حرام است. حتی اگر ما بخواهیم اطلاق آیه را اخذ کنیم، فرقی نمی‌کند که این دو زن شوهرشان این مرد باشد یا نباشد.

چون بعضي اين احتمال را داده‌اند که آنجايي که مردی دو زن دارد و یک تخمک از زني بگیرند و در رحم زن دیگری قرار دهند و مرد با زن دومش آمیزش کند و تلقیح صورت گیرد، گفته‌اند ایرادي ندارد. ما باشیم و اطلاق آیه «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»^[۱] شارع می‌خواهد مسئله تلقیح بین زن و شوهری که ارتباط آمیزشی بین آنها برقرار است برای این طرفین بماند، یعنی این طرفین نسبت به هم بلامانعند، اما اگر فرد ثالثی پیدا شد، این زن دوم درست است بر مرد حلال است اما فرجش بر فرج زن دوم حرام است و نمی‌توانیم بگوییم چون این دو زن، شوهر واحدی دارند فرجشان بر هم حلال است. پس بر مبنای اطلاق آیه، این هم حرام می‌شود و فرقی نمی‌کند که این دو زن به قول اهل لغت هووی یکدیگر باشند یا نباشند.

استدلال به روایات

اما برخی که مبنای استدلال تحریمشان را روایات قرار داده‌اند، آن روایات این بود «من اقر نطفته في رحم يحرم عليه» اینها می‌گویند این «من اقر نطفته» تلقیح نطفه مردی با تخمک زنی که بینشان نسبت زوجیت نیست را شامل می‌شود، اما اینجایی که تخمک آن هوو را در رحم این زن قرار داده‌اند یا تخمک اجنبیه را در رحم این زن قرار داده‌اند صدق نمی‌کند رحم يحرم عليه. درست است که در این رحم تخمک دیگری را قرار داده‌اند، اما این رحم يحرم عليه نیست.

اشکال در استدلال به روایات

در مقابل این استدلال به آنها جواب داده می‌شود که ما از «رحم يحرم عليه» الغاء خصوصیت می‌کنیم و می‌گوییم اگر نطفه مرد با تخمکی که یحرم علیه تلقیح شود، و این درست هم است. در بعضی از فروض دیگر هم ما نیاز به این الغاء خصوصیت داریم. لذا بعد از الغاء خصوصیت می‌گویند درست است که یک زنی تخمک خود را در رحم این زن قرار داده، اما این مرد که با این زن ارتباط پیدا می‌کند صدق نمی‌کند اقر به رحمی که یحرم علیه.

اگر تخمک آن زن، زنی باشد که هووی این زن است و بر این مرد حلال است مانعی ندارد، چون نتیجه الغاء خصوصیت این است که تلقیح ماء مرد با تخمکی که بینشان ارتباط زوجیت نیست حرام است، اما بالعکس اشکالی ندارد. بنابراین عدّه ای که در صورت دوم قائل به تحریم بودند در این صورت سوم در مورد تخمک زنی که بر این مرد حلال است و آن را در رحم زن او قرار دهند گفته‌اند این مانعی ندارد و می‌گویند اگر مردی با زن خودش تلقیح کرد و نطفه منعقد شد و لقاح محقق شد و نطفه منعقد شده را در رحم کنیز این مرد یا زن دیگر این مرد قرار دهند اینها می‌گویند مانعی ندارد. چون روایاتی که می‌گویند «من اقر نطفته في رحم يحرم عليه» فقط تلقیح نطفه مرد با اجنبیه را حرام می‌داند و اینجا که تخمک، نسبت به این مرد اجنبیه نیست.

نظر استاد

ما طبق استدلالی که برای حرمت کردیم اطلاق آیه همه اینها را می‌گیرد و درست است که این مرد چهار زن دارد، اما نمی‌شود گفت تخمک این زن را در رحم زن دیگر قرار دهید. این زن باید حتی از هووی خودش حفظ فرج کند.